

دنیا از دیدگاه ناصر خسرو

نویسنده

سولماز رزاق زاده شبستری



سرشناسه : رزاق زاده شبستری، سولماز، ۱۳۵۵-

عنوان و نام پدیدآور : دنیا از دیدگاه ناصر خسرو

مشخصات نشر : تهران : انتشارات حانون ، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۲۹۵ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۳۵-۸-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۴۱۳۲۴



دنیا از دیدگاه ناصر خسرو

ناشر : انتشارات حانون

مؤلف : سولماز رزاق زاده شبستری

چاپ متن : چاپ برگ

صحافی : برگ

نوبت چاپ : اول

تاریخ انتشار : ۱۳۹۴

تیراژ : ۱۰۰۰

قیمت : ۱۸۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار:
۱۱	مقدمه:
۲۲	علائم اختصاری:
۲۳	«فصل نخست»: سخنی چند درباره ناصر خسرو
۲۴	۱ - ۱ شرح احوال و زندگانی ناصر خسرو قبادبانی:
۳۲	کتاب‌نامه ناصر خسرو
۳۳	۱-۲ معرفی آثار:
۳۳	۱- جامع الحکمتین:
۳۴	۲- خوان الاخوان:
۳۴	۳- دیوان:
۳۵	۴- روشنایی‌نامه:
۳۶	۵- زادالمسافرین:
۳۷	۶- سعادت‌نامه:
۳۷	۷- سفر‌نامه:
۳۸	۸- گشایش و رهایش:
۳۸	۹- وجه دین:
۳۸	۱۰- آثار دیگر:
۳۹	۱ - ۳ اندیشه و شیوه بیان ناصر خسرو
۴۶	۱-۴ تأویل در اشعار ناصر خسرو:
۴۹	۱-۵ ناصر خسرو و شاعران دیگر:
۵۵	۱-۶ عناصر خیال در شعر ناصر خسرو:
۶۸	۱-۷ فرقه اسماعیلیه:
۶۹	۱-۸ گذری بر تاریخ اسماعیلیان در ایران:
۷۳	«فصل دوم»: تعبیرات دنیا
۷۴	۲-۱ جهان:
۱۶۵	۲-۲ چرخ:
۱۸۶	۳-۲ دهر:
۱۹۴	۴-۲ روزگار:
۲۰۱	۵-۲ زمان:

۲۰۳.....	۲-۶: زمانه :
۲۱۰.....	۲-۷: عالم :
۲۲۰.....	۲-۸: فلک :
۲۲۷.....	۲-۹: قبه :
۲۲۹.....	۲-۱۰: گردون :
۲۳۵.....	۲-۱۱: گنبد :
۲۴۳.....	۲-۱۲: گیتی :
۲۵۱.....	۲-۱۳: گیهان :

۲۵۳.....	« فصل سوم : تضادّ دین و دنیا
۲۶۷.....	« فصل چهارم : تشبیهات، استعارات، توصیفات و ترکیبات اضافی دنیا.....
۲۶۸.....	۴-۱: مشبه (دنیا) مفرد غیر مقید و مشبه به مفرد غیر مقید:.....
۲۷۱.....	« فصل پنجم : خاتمه
۲۷۲.....	خاتمه:.....
۲۹۴.....	فهرست منابع:.....

پیشگفتار:

خداوند را در وسعتی بی کران شکرگزارم، که به من این توفیق را عطا فرمود تا در پرتو مهرش به اندوختن علم بپردازم.

رساله بنده با عنوان «*دنیای دیدگاه ناصر خسرو در دیوان اشعارش*» شاید برای بسیاری از افراد این سؤال را ایجاد کند که چرا از بین این همه شاعر که روزانه چندین بار ابیات آنها بر زبان جاری می‌شود، ناصر خسرو را به عنوان موضوع رساله خود برگزیده‌ام.

من با صراحت و قاطعیت تمام می‌گویم که ناصر خسرو را به خاطر نبوغش در به هم آمیختن استدلال و احساس که او را از افتخارات ایران زمین ساخته است، برگزیده، وی را به دلیل نگرش واقع‌بینانه‌اش نسبت به مسائلی که در پیرامونش می‌گذشت و به خاطر تعهدی که نسبت به آرمانها و اهدافش داشت، عجین با زندگی و شعرش شده بود، انتخاب کرده‌ام. وی دانش را با کردار توأم ساخت و نخستین کسی است که مفاهیم و مباحث علمی را با قلمی توانا و انشائی روشن و روان به سلک تحریر درآورده است. ناصر خسرو را به دلیل شخصیت بارزش که شاعری ژرف‌نگر بود، پسندیده‌ام، چرا که شعر را مرکب اندیشه‌اش قرار داد نه هوای نفس. و به علت همت والایش که در چهل سالگی دچار چنان تحول عظیمی شد که با جسارت تمام، در اوج جاهلیت مردم روزگار خود این شهامت را پیدا کرد که زبان به گفتن برداشتهای حقیقی قلبی و ذهنی خود از آئین و مسلکش بگشاید. عاشقانه در این راه مجاهدت ورزید و بالاخره به خاطر اعتقادات خود از خانه و کاشانه رانده و آواره شد؛ ولی در میان تلاطم امواج مخالفان ذره‌ای نومیدی به خود راه نداد و همچون قطره‌ای استوار پیش رفت تا در دریای ماندگار معرفت و دانش تا ابد همچون ذری بدرخشد. در نهایت وی را به دلیل صمیمیت، اخلاص، درست

اندیشی، راست‌کرداری و زبان صادقانه‌اش و اینکه چراغ راستی را پر نور می‌بیند، برگزیده‌ام چرا که با وجود ناملایمات و تنهائیها در دوران تبعید افسرده نگشت، بلکه گوهر وجودش شکوفاتر شد و او را به خلق آثاری ارزنده و جاودان برانگیخت.

یکی از سؤالاتی که همیشه ذهن مرا به خود مشغول داشته موضوع دنیاست که از دیرباز از اهمیت ویژه‌ای در آثار نویسندگان، شاعران بزرگ، فیلسوفان و حکیمان برخوردار بوده است و اینکه چرا از آن با عناوین گذرنده و بی‌وفا و چندین صفت دیگر یاد می‌کنند و بسیار مایل بودم بدانم که آیا دنیا خوب است یا بد؟ کریه است یا زیبا؟ و چرا جهان همیشه با افراد خوب و اهل دانش به گونه‌ای جانثانه رفتار می‌کند؟ تا اینکه ضمن مطالعه *دیوان اشعار ناصر خسرو* قبادیانی به تعبیرات و تشبیهات جالبی از دنیا برخورددم که برایم بسیار جذاب بود، پس علاقه‌مند شدم که به بررسی و تحلیل آثار وی به خصوص *دیوانش* پردازم و بسیار مایل بودم که کار تازه‌ای بر روی دیوانش انجام دهم، چراکه *دیوان* ناصر خسرو از جهت لفظی و معنوی دارای ارج و ارزش فراوان است. سرانجام با تشویق و راهنمایی جناب استاد دکتر مهدی محقق، موضوع «*دنیا از دیدگاه ناصر خسرو در دیوان اشعارش*» را برگزیدم.

تصمیم گرفتم که موشکافانه و کامل به بررسی واژه دنیا در دیوان اشعار شاعر پردازم تا اینکه به طور جزئی و گذرا بر تمام آثارش نظر داشته باشم.

ناصر خسرو در تمام اشعارش، ندا می‌دهد که فریب عشو‌ها و مکرهای دنیا را نخورید و با تشبیهاتی نظیر اژدها، نهنگ، شیر و گربه بچه‌خوار تنفر خود از روزگار و دنیا را نشان می‌دهد و آن را با صفاتی چون: بدعهد و پست و ... بی‌ارزش جلوه می‌دهد. تنها وقتی برای دنیا ارزش قائل است که مکانی برای کسب علم و دانش باشد چرا که دانش وسیله‌ای برای تکامل بشری است. البته این نظریه ناشی از اهمیت تعلیم و تربیت در مکتب اسماعیلی نیز می‌تواند باشد.

در رساله‌ای که پیش رو دارید، ابیات شاهد مثال بر طبق *دیوان اشعار ناصر خسرو*، به تصحیح و کوشش دکتر مجتبی مینوی و دکتر مهدی محقق چاپ ۱۳۶۵ ش می‌باشد و البته در دیوان چاپ مزبور ترتیب ابیات در برخی موارد صحیح نبود، لذا بنده بیتها را بازشماری کرده و شماره صحیح آنها را در رساله آورده‌ام.

تعبیرات و تشبیهاتی که در این مجموعه برای دنیا آمده است و ترتیب الفبائی عناوین آنها می‌تواند برای دانشجویان و دانش‌پژوهانی که بخواهند در این زمینه تحقیق کنند مفید و سودمند واقع شود و راهگشای تحقیقات بعدی باشد. در پایان از جناب استاد دکتر مهدی

محقق که مرا به اهمیت این موضوع آگاه کردند و راهنمایی رساله‌ام را به عهده گرفتند و نیز اجازه فرمودند که از کتابخانه‌های انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - مک گیل استفاده کنم، تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم.

از خداوند مهربان خواستارم که توانسته باشم با این مجموعه کوچک، دین خود را به سرزمین ادب و فرهنگ فارسی و عرصه علم و دانش، تا حدودی ادا کرده باشم. و امروزه که در سراسر جهان همایشهای متعددی در باره شعر و شخصیت برجسته این شاعر اندیشمند برگزار می‌شود، این رساله مورد تأیید اهل نظر واقع گردد. بدیهی است رساله‌ای که پیش رو دارید تهی از اشکال نیست، باشد که در سایه عنایت و راهنماییهای اساتید محترم، رفع گردد.

سولماز رزاق‌زاده شبستری

زمستان ۱۳۸۳

www.ketab.ir

مقدمه:

نگر تات نفریبد این دیو دنیا
حذر دار از این دیو، هان ای پسر هان

حکیم ناصر خسرو، قبادیانی، یکی از شعرای مشهور قرن پنجم است که از جنبه لفظ و معنی، صاحب سبک و اندیشه است. او نخستین شاعر پارسی زبان است که سخنان بلند و معانی دلپسند حکماء نامی را لباس نظم پوشانیده و در شعر تحولی بزرگ پدید آورده است. قصائدش تغزل ندارد و اگر احياناً وصفی از مناظر طبیعی کرده، برای آن است که این جهان گذرا را بهتر جلوه گر نماید:

چند گویی که چو ایام بهار آید
گل بیاراید و بادام بهار آید
روی بستان را چون چهره دلبندهان
از شکوفه رخ و از سبزه عذار آید...
این چنین بیهده‌ای نیز مگو با من
که مرا از سخن بیهده عار آید
شست بار آمد نوروز مرا مهمان
جز همان نیست اگر ششصد بار آید
هر کرا شست ستمگر فلک آرایش
باغ آراسته او را به چه کار آید؟^۱

^۱- دیوان اشعار، ق ۷۴ ابیات ۱، ۲، ۱۰، ۱۱ و ۱۲.

اگر چه پیش از وی در شعر شاعرانی چون رودکی و فردوسی، توجه به فکر و اخلاق دیده می‌شود؛ اما او نخستین شاعری است در زبان پارسی که شعر را کاملاً در خدمت فکر اخلاقی قرار داده است.

ناصر خسرو در طول دوران مشقت بار زندگیش، آثار ارزنده فراوانی از خود به جا گذاشته است:

منگر بدین ضعیف تتم زانکه در سخن
زین چرخ پر ستاره فزونست اثر مرا^۱

جامع الحکمتین (کتابی است که در آن اندیشه‌های کلامی زمان خود، به ویژه آرای معتزله و اشاعره را در پرتو عقل و نقل مورد تحقیق قرار می‌دهد). **خوان‌الاکوان و وجه دین** (در آنها به معرفی اندیشه‌های باطنی اهل تأویل یعنی اسماعیلیه پرداخت و راه ایراد و خرده‌گیری بر ظواهر شرع را مسدود ساخت) **دیوان اشعار** (دریایی است مواج که از هر موجش گوهری به دست می‌آید و مشتمل بر ۱۱۰۴۷ بیت از قصیده، قطعه و رباعی به سبک خراسانی است).

روشنائی‌نامه (منظومه‌ای در پند و حکمت و دربردارنده ۵۹۲ بیت در باب عقل کل، نفس کل، آفرینش افلاک و کواکب و... است). **زاد‌المسافرین** (حاوی مباحثی در حکمت و فلسفه و نقض اقوال مخالفان است). **سعادت‌نامه** (شامل سی باب و به همان سبک و سیاق روشنائی‌نامه در پند و حکمت منظوم؛ ولی این اثر از نظر محتوا در مرتبه پائین‌تر از روشنائی‌نامه است). **سفرنامه** (مشتمل بر مشاهدات سفر هفت ساله او و یکی از منابع مهم جغرافیای تاریخی است). **گشایش و رهایش** (در پاسخ ۳۰ مسئله مختلف، که در آن به شرح و بیان و حجت از آیات کریمه قرآن، دلایل از آفاق انفس و طبایع و ارکان پرداخته است).

گذشته از آثار ذکر شده، آثار دیگری نیز به ناصر خسرو نسبت داده‌اند، نظیر **بستان‌العقول** یا **بستان‌العقل** که خود ناصر در **زاد‌المسافرین** از آن نام می‌برد و همچنین از کتاب **دلیل‌المتحیرین** که مؤلف **بیان‌الادیان** به ناصر نسبت می‌دهد، هیچ اثری در دست نیست

^۱ - دیوان اشعار، ق ۶ ب ۱۳.

علاوه بر آن آثار دیگری چون **اکسیر اعظم**، **قانون اعظم**، **المستوفی**، **دستور اعظم**، **تفسیر قرآن**، **کنز الحقائق** به وی نسبت داده شده است که پژوهشگران دلیل روشنی بر درستی این گفتار نیافته و از استناد آن به ناصر امتناع کرده‌اند. رساله دیگری نیز در کواکب به نام **سرالاسرار** منسوب به وی می‌باشد که بی شک غلط است از دیوان عربی ناصر هم به طور مدون یا با اشعار متفرقه اثری در دست نیست. در این مجموعه به آثار دیگر ناصر خسرو چون **جامع الحکمتین**، **خوان الاخوان**، **گشایش و رهایش** و **زادالمسافرین** به طور اجمالی پرداخته شده است (تنها در قسمت معرفی آثار شاعر و چند مورد اندک دیگر از زادالمسافرین و روشنائی‌نامه در متن) ولی محور اصلی رساله بنده، **دیوان اشعار ناصر خسرو قبادیانی** بوده است. قبل از پرداختن به هر مطلبی، لازم است تعریفی از دنیا ارائه دهیم. امام محمد غزالی در تعریف دنیا می‌گوید:

«دنیا و آخرت یعنی، دو حالت از حالهای دل تو؛ حالهای نزدیک را دنیا خوانند و هر آنچه پیش از مرگ است و حالت دوم را آخرت خوانند و آن چیزی است که پس از مرگ است.»^۱
در مفهوم عام، دنیا عبارتست از زندگانی حاضر، جهانی که در آن هستیم، نقیض آخرت، گیتی، کره گِل و...

یکی از ویژگیهای سخن ناصر خسرو، توجه بسیار او به دین و دینداری است و اختلاف نظر او با جامعه عصر خودش از همین دیدگاه ناشی می‌شود.

به نظر او آیین زندگی و نیکبختی در پیروی عاقلانه و آگاهانه از دین نهفته است. دین انسان را به نیکبختی ابدی و آسان شدن حساب قیامت رهنمون می‌گردد. عمر، سرمایه است و دین و دانش سودی که از این سرمایه به دست می‌آید دین و طاعت از فرمانهای آن، سبب تعالی روح و پریدن مرغ جان به سوی مبدأ اعلی است؛ اما طاعتی که خالصانه و از روی علم باشد نه جاهلانه. وی در این زمینه مفاهیم و تعبیرات فراوان به کار می‌برد:

چو دانش نداری تو، در پارسائی

بسان لگامی بوی بی دهانه

خدای از تو طاعت به دانش پذیرد

میر پیش او طاعت جاهلانه^۲

^۱ - غزالی، ابوحامد امام محمد، ترجمه *احیاء علوم الدین*، ج ۳، صص ۴۵۸، ۴۵۹.

^۲ - دیوان اشعار، ق ۲۰ ابیات ۱۸، ۲۸.

او دنیا را به سواری تازان تشبیه می‌کند که انسان از نزدیک شدن به آن باید پرهیزد. دنیا، بازی انسان خوار است که تنها دین دهان او را به مسمار می‌دوزد. نعمت دنیا چون زهر است زیرا همگان می‌خورند و می‌میرند. بزرگ‌ترین فضیلت جهان، گذشتنی بودن آن است و بنابر این طرز تفکر، دنیا را در تضاد با دین به کار می‌برد:

خلافت اهل دین را اهل دنیا

بداند هر حکیمی بی‌مداری^۱

از خلال دیوان وی، مردی پرهیزکار آشکار می‌شود که از هر گونه انحراف و کجروی، خواه از موازین شرعی و خواه موازین مروت انسانی، درخشم است.

در سرتاسر دیوان چند صد صفحه‌ای او، نه یک سطر ستایش (جز مدح بزرگان دین و خلیفه فاطمی) و نه سطری در وصف معشوق دیده می‌شود؛ هر چه هست سخن از دین و اعتقاد، علم و خرد، جویندگی و حقیقت‌نگری تکامل انسانی است سبک شاعری‌اش با اندیشه‌اش هماهنگی کامل دارد. کلمات را جز برای بیان مقصود به کار نمی‌برد. در پی آرایش کلام نیست. به‌طور کلی در شعر ناصر خسرو شیوه بیان، غالباً تشبیه است؛ و از این طریق، او آن‌چنان زمینه‌هایی را فراهم می‌کند که مفاهیم عقلی که به تبع اندیشه او در شعرش راه یافته است، چون مفاهیم حسی مجسم و ملموس شود. ترکیبهای او اغلب از نوع اضافی است، مانند دیبای سخن، کژدم غربت، عروس عقل، پر طاعت، باغ دین و امثال آنها.

در وصف طبیعت، شبهای پر از ستاره، بهار، خزان و احساسات غم‌انگیز درونی سخنانی نو و بدیع هم گفته است، در بسیاری موارد، نکوهشهای شاعر از دنیا، ریشه در فرهنگ و اندیشه اسلامی او دارد و در این مورد، مضامین خود را از احادیث و آیات برگرفته است و همین مضامین را در اشعار شاعران قبل از وی و بازتاب آنها را در اشعار شاعران بعد از او نیز می‌بینیم و گذشته از این موارد، نصایح و پندهایی که شاعر در پایان هر قصیده حکیمانه به آنها می‌پردازد، بسیار قابل توجه است و به‌طور کلی دیدگاه اصلی وی بر اجتناب از امور دنیوی تأکید دارد، بیان او سرد ولی روشن و بیدار کننده است و خواننده را یک دم به حال خود نمی‌گذارد. بیش از نیمی

۱- دیوان اشعار، ق ۲۴۰ ب ۳۵.

از اشعار وی در نکوهش جهان، ناپایداری و بی وفایی آن، کناره گیری از ظواهر زندگی و تشویق به پرهیزکاری و زهد است و مواعظ و نصایح او همه در این زمینه است واضح و روشن است که این معانی، دلکش و دلنشین است و از همین روی او را مورد احترام قرار می دهد؛ ولی افراط در آن قطعاً خسته کننده است و این یکنواختی در کلام ناصر خسرو را نمی توان از مزایای او به شمار آورد؛ ولی تشبیهات و توصیفات او از جهان بی نظیر و نکته بینانه است و برای هر سخنی استدلالهای قانع کننده می آورد و درواقع طبع شاعری اش را مرکب استدلال و حقیقت قرار می دهد؛ ولی با تمام استدلال گوئیهایش کلامش دلنشین است. وی هرگز وصف را در معنی مرسوم آن به کار نمی برد. خیال نیز در شعر او همین جایگاه را دارد؛ یعنی تشبیه و استعاره و ... ابزارها و وسایلی هستند که او از طریق آنها اندیشه های خود را به خوبی به خواننده منتقل می سازد. مثلاً او گاهی جهان را به درخت تشبیه می کند و انسان را به میوه و خار آن درخت و گاهی نیز جهان مانند بستانی است که درختان آن انسانهایند:

مردم شجرست و جهانش بستان
بستان نبود چون شجر نباشد
ای شهره درختی بکوش تا بر
یکسر به تو جز کز هنر نباشد^۱

یک بررسی کوتاه نشان می دهد که در شعر ناصر خسرو درخت مشبّه بهی است که او از طریق آن توانسته است تفکرات عقلی، مذهبی، فلسفی و جهان بینی خویش را ملموس سازد تا خواننده را به مقصود خود مبنی بر اینکه هدف اصلی خلقت، انسان است، نزدیک کند. خلاصه سخن اینکه میان اندیشه های دینی و اعتقادی ناصر خسرو و شیوه های بلاغی او ارتباط تنگاتنگی دیده می شود که بررسی آن می تواند سبک و سیاق وی را از دیگران ممتاز کند.

ناصر خسرو ارزش انسان را به اندازه ای ارج می نهد که هدف از آفرینش جهان را انسان می داند:

^۱ - دیوان اشعار، ق ۱۷۱ ابیات ۳۵، ۳۶.

بار درخت جهان چه آمد؟ مردم بار درختان ز تخمهاست دلانل^۱

او معتقد است فضیلت انسان در این است که اهل چون و چرا باشد و هر طرز تفکر و اندیشه‌ای را بی‌دلیل و کورکورانه نپذیرد و بر ناپایدار بودن مظاهر مادی تأکید می‌کند و افرادی را که اسیر جهان و تعلقات دنیوی هستند، نکوهش می‌کند و به این سبب با مدیحه‌گویان مخالف است.

البته ناصر خسرو در جایی دیگر از قصایدش، هدف از آفرینش دنیا را دانش معرفی می‌کند و تکامل بشری را جز از راه کسب علم و دانش امکان‌پذیر نمی‌داند:

جهان را بنا کرد از بهر دانش خدای جهاندار بی‌یار و یاور^۲

او به قدری برای دانش ارزش قائل است که آن را وسیله ارتقاء به درجه فرشتگان می‌داند، زیرا از نظر او در نزد انسانها شنوائی و بینائی شریف‌ترین حواس ظاهری هستند، زیرا چون با هم ترکیب شوند - یعنی وقتی کسی گفته‌ای را می‌شنود و نوشته‌ای را می‌خواند - این کس دانشی را از این طریق کسب می‌کند که به او اجازه می‌دهد تا از مرتبه حیوانات به مرتبه فرشتگان ارتقاء یابد. این دو حس از آن جهت شریف‌ترین حواس هستند که انسان را به سوی دانش رهنمون می‌شوند. ناصر خسرو سخنش را ادامه می‌دهد و می‌گوید:

«زین دو آلت مراو را قوت سامعه شریف‌تر است از قوت باصره از بهر آنکه اگر مردی از مادر بی‌حاست بیننده زاید مر نطق را به حاست سمع بیابد و به بسیار علم رسد، و اگر مردی از مادر بی‌حاست شنونده زاید سخنگوی نشود و مر هیچ علم را اندر نیابد، هرچند که بیننده‌اش درست باشد.»^۳

در بیتی دیگر از اشعار ناصر خسرو، هدف از آفرینش دنیا، شناخت و معرفت خداوند معرفی

^۱ - همان منبع، ق ۶۱ ب ۱۰.

^۲ - دیوان اشعار، ق ۱۴۵ ب ۶۵.

^۳ - ناصر خسرو قبادیانی، *زادالمسافرین*، ص ۲۰.

شده است:

بنگر که اگر جهان نکردی
ایزد نشدی به فضل مذکور^۱

این مطلب در آثار شعرای ژرف‌نگر دیگر از جمله مولانا نیز به وضوح دیده می‌شود:

چون مراد و حکم یزدان غفور
بود در قدمت تجلی و ظهور^۲

و قطعاً مضمون گفته شده، برگرفته از حدیث قدسی است که حضرت داوود (ع) سؤال می‌کند: «خدایا چرا مخلوقات را آفریدی؟ خطاب می‌رسد، گوهری پنهان بودم و دوست می‌داشتم شناخته شوم، مخلوقات را آفریدم تا شناخته شوم.»

«كُنْتُ كُنْزًا خَفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُغْرَفَ»^۳

ناصر خسرو در اغلب قصایدش از کارهای دوران جوانی خود اظهار پشیمانی کرده است و از این جهت خود را ملامت می‌کند که در روزگار جوانی یک چند در وصف سر زلف معلق و چشمان ازرق شعر گفته است؛ اما باید دانست که (وی) همیشه از سالهای پرشور و غوغای جوانی ناله و شکوه نمی‌کند در قصاید او شکایت از شکستگی و نزاری و ضعف پیری، گاهی جای خود را به یاد خاطرات شیرین جوانی و روزگار قدرت و نیرو و کامرانی می‌بخشد.^۴

به‌طور کلی دیوان اشعار وی حاوی تعبیرات شیرین فارسی، سخنان بزرگان، انتقاد از زشتکارها و دفاع از حقیقت و مبارزه با باطل مبتنی بر مذهب شیعی اسماعیلی است. شاید بتوان گفت که دیوان اشعار وی در این ابیات خلاصه می‌شود:

^۱ - دیوان اشعار، ق ۱۵۰ ب ۲۸.

^۲ - مثنوی معنوی مولوی، دفتر ششم، ب ۲۱۵۱.

^۳ - میبیدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عده‌الابرار، ج ۸، ص ۳۸۷.

^۴ - برتلس، آی، ناصر خسرو و اسماعیلیان، صص ۱۷۱، ۱۷۲.

گر مکافات بدی اندر طبیعت واجبست
چون تو از دنیا چریدی، او تو را خواهد چرید^۱

* * * * *

الفنج کن اکنون که مایه داری
از منت نصیحت بر ایگانست
زو هر دو جهان را بجوی ازیرا
مر هر دو جهان را زمانه کانست
بیرون کن از این کان مر آن جهان را
کاین کار حکیمان و راستانست
این را نستاتم بر ایگان من
زیرا که جهان رایگان گرانست^۲

آنچه که ناصر خسرو را به عنوان شاعری زبردست و نکته بین از سایر شاعران متمایز می‌کند و در واقع او را بی‌نظیر ساخته است، جنبه‌های مختلف شخصیت و اندیشه اوست که به طور اختصار به آن می‌پردازیم:

- (۱) سروده‌های او نمایانگر اندیشه و اعتقادات اوست، وی چیزی نگفته است که خارج از اندیشه و عقایدش باشد و از این حیث به شاعر بزرگ دیگر بلخ «مولوی» همانند است.
- (۲) ناصر خسرو نویسنده‌ای تواناست و نثرنویس بزرگی است و آثار ارزنده‌ای در نثر از خود به جا گذاشته است که همه آنها را در راه بیان اندیشه و تبلیغ مذهب خود به کار برده است.
- (۳) ناصر خسرو حکیم و متکلم است و به حق متمایل به مقولات عقلی.
- (۴) بیزاری و نفرت وی از مدح و ستایش در مرحله دوم از عمر وی، او را در میان شاعران دیگر متفاوت ساخته است. قیافه متمایز ناصر خسرو از سایر شاعران در ستایش از خرد و دوری از هر گونه عملی که مخالف با شأن انسان باشد، بیشتر نمایان می‌شود.

^۱ دیوان اشعار، ق ۲۵ ب ۵

^۲ همان منبع، ق ۸۷ ابیات ۱۶-۱۹.

(۵) به طور کلی ناصر خسرو در میان شاعران بزرگی که از قرن چهارم یا پنجم در عرصه ادبیات، نامدار هستند، چهره خاص و منحصر به فردی دارد؛ مخصوصاً که شیعه است (هر چند شیعه اسماعیلی) و به همین دلیل مورد آزار و اذیت ترکان و طرفداران خلفای عباسی قرار گرفته است؛ زیرا زبان صریح و فصیح او جایی برای آشتی و سازش باقی نگذاشته است.

(۶) ناصر خسرو، محور تحولات است، حوادثی که بروی گذشته است طومار زندگی‌اش را در هم پیچیده و پیشامدهایی که برای وی روی داده است، در کمتر شاعری می‌توان یافت. در جوانی، مردی دیوانی بود و با امرا و سلاطین همنشین بود و باده می‌نوشید، هم مدح می‌گفت و هم هجو؛ ولی در چهل سالگی تغییر حال کلی به وی دست داد و او را تبدیل به مردی انقلابی کرد. تبعید و انزوای وی در دره یمگان مایه خلافت برای وی شد و آثار ارزنده خود را در همین دوران تبعید خلق کرده است.

(۷) علم و دانش را راهگشای دیانت و زائیده عقل و خرد می‌داند و در واقع این امر، موضوعی است که او را از سایر شاعران متمایز می‌کند.

شاید بهتر باشد، ناصر خسرو را قبل از اینکه شاعر بنامیم، مجاهدی حقیقی بخوانیم زیرا شعر در زبان او به منزله شمشیر برآنی است بر ضد ستمکاران و ظالمان و غاصبان حق مردم، به خصوص غاصبان خلافت و تمام عمال جور و ستم آنان. ناصر خسرو اگر در وصف طبیعت (آسمان، بهار، خزان و شب) سخن می‌گوید و حتی در این وصفها و توصیفها نوآوری می‌کند، همه این موارد برای نیل به مقصود دیگری است که غالباً پند و اندرز و ستایش عقل است. همان طور که قصیده سرایان از وصف طبیعت می‌خواهند به مدح امیر و یا سلطانی بپردازند، ناصر خسرو نیز وصف طبیعت را مقدمه‌ای برای بیان معانی فلسفی و اخلاقی و رواج مذهب خود قرار می‌دهد. بیان ویژگیهای جهان چه از لحاظ فیزیکی و یا معنوی، از همین شیوه کار وی نشأت می‌گیرد. زجرهایی که شاعر در طول عمرش متحمل آنها گشته بود و چه بسا مستحق آنها نبوده بیشتر به این دلیل است که چون ناصر خسرو فاطمی است، شیعیان امامیه دید خوبی به وی ندارند، از این رو قدر و مقامش آن چنان که در شان واقعی اوست، در میان هم عصرانش و شاید در دوران بعدی، محترم شناخته نشده است و این امر برای شاعر، بسیار دشوار بود و او را به شکایت و گله از روزگار وامی‌داشت.

مراحل کار بنده در این رساله به شرح زیر است:

از آن جایی که تأثیر زندگی و اوضاع سیاسی و اجتماعی یک شاعر در اشعارش، امری بدیهی

است، در فصل نخست به شرح احوال، زندگی و اندیشه‌های شاعر، مذهب و چگونگی اوضاع سیاسی و اجتماعی روزگارش، مقایسه وی با سایر شعرا و مختصری از عناصر خیال در شعر شاعر پرداخته شده است در بخش دیگری از همین فصل تعریف کوتاهی از فرقه اسماعیلیه ارائه کرده‌ام زیرا ناصر خسرو پیرو مسلک اسماعیلی بود و قطعاً آشنایی با این فرقه که تأثیر اصول و تعالیم آن در اشعار شاعر مشهود می‌باشد، امری ضروری است.

در فصل دوم، ابیاتی را که در آنها تعبیراتی از دنیا آمده است، به ترتیب شماره قصیده و بیت طبقه بندی و مرتب کرده‌ام.

فصل سوم، شامل ابیاتی است که شاعر در آنها دنیا را در برابر دین قرار داده است و این امر ناشی از نگرش مذهبی وی از دنیاست که همواره غرق شدن در مظاهر دنیوی را سبب دور شدن از دین و ارزشهای دنیوی می‌داند و این بخش هم بر اساس ترتیب شماره قصیده و بیت مرتب شده است.

در فصل چهارم به انواع تشبیهاتی که شاعر برای دنیا به کار برده است، پرداخته‌ام و از آنجا که مدتظر بنده از آوردن تشبیهات، مطرح کردن مشبه‌به‌هایی از دنیاست، لذا از عنوان کردن مشبه‌ها خودداری کرده‌ام و هر جا که مشبه (دنیا) در بیت‌های ذکر شده نیامده، ابیات قبلی را که لفظ دنیا یا تعبیراتی از آن به عنوان مشبه آمده است، بنا به ضرورت مطلب آورده‌ام.

البته در این فصل از کتاب فنون ادبی دکتر کامل احمدزاد برای تنظیم انواع تشبیهات (از نوع مفرد آنها) استفاده شده است به دلیل اینکه ایشان استاد بنده در دوره کارشناسی بودند و علاوه بر آن به نظر نگارنده این سطور کتاب مزبور (جهت این نوع تقسیم‌بندی) مناسب‌تر بود. پس از انواع تشبیهات، به ابیاتی که در آنها مشبه‌به قبل از مشبه (دنیا) آمده اشاره شده است.

و بعد از آن، به چند نمونه از استعاره‌های دنیا در دیوان ناصر خسرو پرداخته شده است که البته در این بخش، به توصیه جناب دکتر محقق، اضافه‌های استعاری نظیر شاخ جهان و ... را به این قسمت اختصاص داده‌ام. پس از آن در بخش دیگری از همین فصل، به توصیفات دنیا اشاره شده و تقریباً تمام ابیاتی را که لفظ دنیا و یا تعبیراتی از آن به همراه صفاتش آمده است، با عناوین مربوط بیان کرده‌ام. سپس به ابیاتی که در آنها، صفت جانشین موصوف (دنیا) شده است، اشاره کرده و در پایان این فصل، بخشی را به چند نمونه از ترکیبات اضافی دنیا اختصاص داده‌ام.

لازم به یادآوری است که در طول این رساله، چند بیت از شاعران قبل و بعد از ناصر خسرو

را که شاعر از آنها متأثر شده و یا آنها تحت تأثیر اشعار وی واقع شده‌اند از جمله: رودکی، فردوسی، انوری، سنائی و مولوی، همراه با احادیث و آیاتی که شاعر در برخی از ابیاتش به آنها اشاره کرده است، در زیرنویس ابیات مربوط همراه با مأخذشان آورده‌ام و چون محور اصلی موضوع بنده در این رساله بررسی دیدگاه شاعر پیرامون جهان و بیان تعبیرات، توصیفات و اضافات دنیاست، لذا از اختصاص دادن فصلی جداگانه به قسمت احادیث و آیات خودداری کرده و در فصل خاتمه، به دیدگاه کلی شاعر نسبت به دنیا پرداخته، در پایان فهرست منابع و مأخذ را آورده‌ام و سعی من بر این بوده است که از منابع اصیل استفاده کنم.

ناصر خسرو گاهی به آسمان و چرخ، اشاره می‌کند و جنبه طبیعی و فیزیکی آن را در نظر می‌گیرد و گاهی از آن، مطلق دنیا و جهان را اراده می‌کند، لذا در این رساله، همه با هم آورده شده است زیرا در برخی موارد مراد، هر دو معنی است. در این مجموعه مقصود از دنیا منحصر به خود این کلمه نمی‌باشد، بلکه مفاهیم و تعبیرات دیگری از آن نظیر جهان، روزگار، چرخ، دهر، گیتی و... را نیز دربر می‌گیرد.

در رساله‌ای که در پیش‌رو دارید، آدرس قصاید و ابیات در گوشه سمت چپ هر بیت با یک ممیز از یکدیگر جدا شده است، به این ترتیب که سمت چپ ممیز بیانگر شماره قصیده و عدد سمت راست، نمایانگر شماره بیت می‌باشد؛ ولی در فصل نخست و خاتمه، مأخذ ابیات شاهد مثال به پاورقی ارجاع داده شده است.